



رضاسهرابی
(نامه‌ورده)

قصور متقابل، ولی‌نابر ابر

شد که آنها هم بتوانند تا حدودی حرف‌های خود را بزنند. اما نکته اصلی در خصوص درج این نوع گفت‌وگوها این است که واقعاً دیده شد می‌توان نظرات این افراد و گروه‌های تابعه را در مطبوعات نوشت و از تشنه آرا در افکار عمومی نهراسید و دلواپس «امنیت ملی» نبود، زیرا می‌توان اجازه صحبت کردن داد و سپس قضاوت را بر عهده عقل و دیده مردم با ذکاوت ایران و بویژه کردها (شیعه-سنی) گذاشت و مطمئن بود که با هوشیاری مردم و طی گذر زمان، ریا از صداقت و سره از ناسره توسط ایشان جدا خواهد شد و هر کسی با هر نوع تفکر و جایگاه اجتماعی‌اش (ظاهری یا واقعی) اگر نتواند پاسخ‌های قانع‌کننده برای توجیه عملکرد خویش به مردم ارائه دهد حتماً در گذر زمان مجبور به عذرخواهی، عقب‌نشینی و یا حتی انزوامی شود. حال می‌خواهد این دسته و یا گروه اصلاح‌طلبان کرد باشند و یا اصولگرایان کرد، اعضای دولت موقت باشند و یا وزیران و مسئولان دولت‌سازندگی و اصلاحات و یا حتی مسئولان دولت حاضر و یا شاید اعضای حزب دموکرات کردستان ایران و...، چون در اصل جریان هیچ تفاوتی وجود ندارد، اما آن چیزی که مهم است این است که با مجال دادن برای ابراز عقاید مختلف حتماً نقاط ضعف و قوت شخصیتی افراد و از آن مهتر پایه و اساس هر نوع نگرش و یا ایدئولوژی مورد نظر در معرض داوری قرار خواهد گرفت و در آن زمان است که وجدان واقعی اجتماع با کمترین درصداشته قضاوت خواهد کرد و به تبع این قضاوت زمینه برای حذف و یا گسترش یک تفکر فراهم می‌شود و پس از طی این مراحل به یقین زمینه برای رشد، ترقی و همچنین دستیابی تمامی اقوام (از جمله کردها) به توسعه همگون و متوازن فراهم می‌شود، چون حق هر انسانی جدا از نگرش‌های رادیکال مآب در خصوص تعصب بر یک مذهب خاص، زبان واحد، نژاد برتر، جنس غالب و... پیشرفت است و بس و چه بسا در این میان ما کردها (سنی-شیعه) متأسفانه به دلایل متعدد تا به امروز نتوانسته‌ایم آن‌طور که شایسته است توانایی‌های خود را عرضه نماییم و بدون شک باید حکومتگران و دیگر اقوام بدانند که با دادن فرصت به دیگران و اجازه مشارکت در تمامی سطوح نه تنها اتفاق ناگواری رخ

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد بلافاصله پس از چاپ دومین ویژه‌نامه نشریه چشم‌انداز ایران به نام «کردستان همیشه قابل کشف» همانند شماره اول واکنش‌هایی در جهت تأیید همه مطالب و یا بخشی از آن و همچنین واکنش‌های برائت‌جویانه و بعضاً ترش‌روانه از سوی افراد و گروه‌های مختلف جامعه بویژه از سوی ما کردها (کردسنی و شیعه از شهرها و مناطق مختلف) نمود خارجی پیدا کرد.

در خصوص گروه اول با موضع‌گیری‌های موافق (همه‌جانبه یا موردی) باید گفت صاحب‌نظران، پژوهشگران و یا روزنامه‌نگاران این گروه هر کدام از یک نگاه و یا چند جایگاه به تأیید این حرکت (چاپ ویژه‌نامه در ارتباط با کرد و کردستان) و مطالب نوشته شده پرداختند که خود این مسئله هم بدون شک اجتناب‌ناپذیر است، زیرا نخست، پرداختن به تمامی زوایای یک اتفاق در قالب یک یا چند مقاله یا یک ویژه‌نامه به هیچ عنوان امکان‌پذیر نبوده و دوم، دلیلی وجود ندارد که تمام و کمال یک مسئله مورد تأیید یک نفر باشد، زیرا می‌توان کل یک حرکت را قبول داشت، اما از درون نسبت به برخی از موارد نگاه منتقدانه و یا حتی مخالف داشت.

در خصوص موضع‌گیری‌های مثبت گروه اول دلایلی ذکر می‌شود که برخی از آنها عبارتند از نخست، اختصاص یک شماره از یک نشریه سیاسی راهبردی به مسائل مربوط به کرد و کردستان امری تازه و دور از انتظار است که می‌تواند نوبد بخش شکستن توهم برای دلایل نپرداختن به مشکلات، مصیبت‌ها و تاریخ مردم کرد و سرزمینشان کردستان (منظور تمامی نواحی کردنشین) باشد.

دوم، درج گفت‌وگوی [ترجمه کامل از کردی به فارسی] یکی از رهبران گروه‌های کرد مستقر در خارج از کشور (حزب دموکرات کردستان ایران) که امری کاملاً بدیع و سنت‌شکنانه بوده و در دوران پس از انقلاب بخصوص ۲۰ سال اخیر در سطح منطقه و حتی کشوری تازه است و از هر نظر افزون بر شجاعت مثال‌زدنی و ابراز نوعی جسارت (نه از نوع حماقت‌وار آن) در طرح موضوعی که بیشتر شبیه تابویی می‌ماند که عبور از آن را ناممکن به نظر می‌رساند فرصتی به اعضای این گروه هم داده

نمی دهد، بلکه «همبستگی ملی» به عنوان دغدغه اصلی ایشان هم هیچ صدمه ای نمی بیند، زیرا وقتی شما اجازه اظهار وجود به دیگران را می دهید آگاه به پشتیبانی تمامی آحاد جامعه خواهید بود و گرنه به طور طبیعی و خود کار گروه، فرد، قوم و... تحت فشار و مورد تبعیض واقع شده حتماً به نشانه اعتراض دست به انجام حرکاتی خواهید زد که برای رفع و یا دفع آن باید هزینه های سنگینی را متحمل شده، اما از سوی دیگر تنها شما موفق به پاک کردن صورت مسئله می شوید و ریشه های زجر دیده و نادیده گرفته شده، حتماً باقی خواهد ماند.

سوم، این نشریه با پرداختن به برخی از زوایای کمتر اشاره شده برخی حوادث و یا جنبه های کمتر شناخته شده برخی از شخصیت ها تز عبور از انگاره های مطلق را به طور نسبتاً قابل قبولی ارائه داده است و نشان داده شد که نقد و بررسی عملکرد یک نفر نه تنها امر مذمومی نیست، بلکه می تواند سنت غلط و اشتباه متره بودن یک شخص را از هر گونه خطا و لغزش به اثبات رساند. به عبارت دیگر هر حزب، گروه و یا رهبر یک حرکت همانند دیگر آدمیان در وضعیت خاکستری قرار دارد هر چند که طرفداران او زیاد باشند و یا او را در یک وضعیت بسیار جانبدارانه دوست داشته باشند و صدا البته این نقد و بررسی به هیچ عنوان نباید (محکمتر است که بگویم نمی تواند) خط بطلانی بر نیت خیر خواهانه آن فرد و یا آن گروه بکشد، زیرا بدون شک فعالیت های ایشان حتماً دارای جنبه های مثبت هم بوده که در گذر زمان تأثیرات مثبت خود را نمایان کرده است، اما از سوی دیگر نشان داده می شود که در برخی از مواقع نیز راه به بیراه کشیده شده و متأسفانه آثاری به جای مانده که هنوز که هنوز است از برخی آنها به عنوان چماقی استفاده می شود که مردم شریف و آگاه و زجر کشیده کرد (سنی شیعه) را می آزارد؛ و در مقام پاسخگویی هم برخی مسئولان دلیل بسیاری از ناپایده انگاری ها، تبعیضات و اعمال نگرش های امنیتی را مثلاً به ظهور فلان شخص در تاریخ کردستان و یا فلان حرکت یک گروه نسبت می دهند، در صورتی که این دلیل کاملاً ناراست، زیرانی توان گذشته را تمام و کمال به حال تعمیم داد و بهانه ای به دست آورد که حقوق حقه گروهی از هموطنان را نادیده گرفت و یا آنها را در عمل تا حد یک شهر وند در چه ۲ پایین آورد.

از سوی دیگر هم می توان به مرکز نشان داد که پاسخ از چند و چون رفتار آنها هم گناه کبیره به شمار نمی آید و می توان پرسید و مشوش نشد و در مقام پاسخگویی به جای پاسخ های سرسری و یا احياناً بی ربط و یا حتی مغرضانه و تعصب آلود در صدد دفع موانع و مشکلات برآمد، زیرا اگر کردها اشتباهی داشته اند بدون شک مرکز و تعدادی از مسئولان حکومتی نیز نه تنها برای ریشه یابی مسئله سعی و تلاش نکرده اند، بلکه با بر خورد های سطحی، موقت و گذرا بر پیچیدگی اوضاع افزوده اند؛ چون به طور قطع پس از مدتی حقایق آشکار خواهد شد و چه بسا با

این آشکار شدن صدمات بیشتری به اصل وجودی ما جزا وارد خواهد شد، در صورتی که می توان با قداست زدایی (این مسئله باید دو جانبه باشد) زمینه را برای به نقد کشیدن و عبرت آموزی و کسب تجربه هموار کرد و این نقد ها را در اختیار آیندگان قرار داد، آیندگانی که به یقین با توجه به سیر صعودی کسب علم، دانش، آگاهی و دسترسی وسیع تر به اطلاعات و اخبار در زمان های بسیار کوتاه، از ما و همسفران ما مو شکافانه تر با هر نوع رخداد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... برخورد خواهند کرد و حتماً بدون رودر باستی و شجاعانه تر نسبت به نقد یک فرد یا گروه و یا یک نوع تفکر و ایدئولوژی دست خواهند زد. پس اگر از بار احساسی جریان ها بکاهیم و بر واقعیت ها بیفزاییم نه تنها کار اشتباهی را مرتکب نشده ایم، بلکه نام نیکی از خویش هم در تاریخ به یادگار باقی خواهیم گذاشت. برای نمونه در این ارتباط می توان به حرکت شهید قاضی محمد اشاره کرد که ما کردها باید واقع بینانه هاله های قدسی را از وجود شخصیتی ایشان دور نماییم و صادقانه در عین رعایت احترام (وظیفه ای جز این ناصواب است) تمامی آرا و افکار، موضع گیری ها و حرکات وی را در ظرف مکانسی و زمانی خویش بررسی کنیم و سپس با پارامترهای عصر حاضر بسنجیم چون واقعاً بعید است که دیگر کسی پیدا بشود و نداند که در آن سال ها چگونه کردها تحت فشار و تبعیض بوده اند و چطور این مرد از سر دلسوزی، دغدغه خاطر و مردم دوستی قوم خویش علم عدالت خواهی را برافراشت، اما متأسفانه همانند بسیاری از حرکات عدالت خواه طی مسیر به مقصود نرسید و چه بسا برخی از تصمیم گیری ها هم به دلیل اعمال نفوذ برخی کشورها و یا اعمال آنها به بیراهه انجامید، و گرنه اصل حرکت و داد خواهی او و بیشتر یارانش و همین طور بیشتر کارهایشان علیه حکومت پهلوی کاملاً محقانه بوده، اما همان طور که پیشتر هم گفته شد چه بسا ایراداتی هم به قاضی محمد و یارانش وارد باشد که برخی از آنها عبارتند از: ۱- حمایت های او از محمد رشید خان، ۲- اعلامیه حزب و حکومت وی در حمایت از واگذاری امتیاز نفت شمال و شمال غرب به شوروی و...

چهارم، با نقد عملکرد برخی رفتارهای یکی از گروه های کرد، یعنی «حد کاباز آشکار شد که این گروه نیز در بعضی مواقع راه را بی راه رفته است و در چند بزنگاه تاریخی با انجام برخی اشتباه ها صدمات سنگینی را به کلیت حرکات محقانه کردها وارد نموده که می توان از جمله به ادعای آنها مبنی بر ارائه بر نامه و راهکار برای تمامی مناطق کردنشین اشاره کرد که این ادعا کاملاً گراف است، زیرا تا به امروز ثابت شده است که آنها تمامی حرکات خود را تنها بر دو یا حداکثر سه منطقه از نواحی کردنشین متمرکز کرده و در حال حاضر نیز حداکثر تنها در همان ۳ نقطه، آن هم به صورت بسیار ناقص و کم توان عمل می کنند.

و دیگر این که با کشتن بعضی از برادران و خواهران کرد به دلایل مختلف از جمله تفاوت در نگرش های سیاسی و به

نخست، پرداختن به تمامی زوایای یک اتفاق در قالب یک یا چند مقاله یا یک ویژه نامه به هیچ عنوان امکان پذیر نبوده و دوم، دلیلی وجود ندارد که تمام و کمال یک مسئله مورد تأیید یک نفر باشد، زیرا می توان کل یک حرکت را قبول داشت، اما از درون نسبت به برخی از موارد نگاه منتقدانه و یا حتی مخالف داشت

اگر از بار احساسی جریان‌ها بکاهیم و بر واقعیت‌ها بیفزاییم نه تنها کار اشتباهی را مرتکب نشده‌ایم، بلکه نام نیکی از خویش هم در تاریخ به یادگار باقی خواهیم گذاشت

یاد آوری می‌کند که آنها هم باید معقولانه و دلسوزانه با مسائل برخورد کنند و به هیچ‌عنوان با عجله و از سرخشم با یک اتفاق برخورد نکنند) و چه بسا با روشن شدن موضوع ابعاد وسیع‌تری دامن مسئله را بگیرد و به همین بهانه نامحرمان در قالب دایه‌های بهتر از مادر اجازه دخالت به خود بدهند.

اما مورد دیگری که بارها به صورت شفاهی در برخی محافل و توسط افراد زیادی نقل شده و به ندرت نیز به صورت مکتوب در نقدها حد گاه در نشریات به چاپ رسیده بود و دوباره در این ویژه‌نامه به آن اشاره شد ارتباط برخی از اعضای این حزب با رژیم بعث عراق و همچنین دریافت کمک‌های مادی، لجستیکی و نظامی است که از سوی رژیم صدام به آنها داده می‌شد!

در خصوص درستی و نادرستی این مسائل و آن‌طور که از شواهد و قرائن موجود برمی‌آید در حال حاضر رهبران رده بالای این حزب باید پاسخگویی پرسش‌های زیادی باشند که بخشی از آنها حول محور این ارتباطات و کمک‌هاست؛ البته امیدواریم ایشان بتوانند در عین صداقت پاسخ‌های مناسب برای توجه این گونه رفتارهای خویش داشته باشند و توضیح بدهند بر چه اساسی با رژیمی همکاری می‌کردند که درست در همان دوران و پس از جنگ ایران و عراق از رواداشتن هر گونه ظلم و ستم، قتل عام و ویران کردن کردستان عراق ابایی نداشت؟! چگونه می‌توان تن به خواست‌های رژیمی داد که دست‌هایش روشن و آشکار به خون هزاران خواهر و برادر عزیز کرد در آن سوی مرزهای ظاهری آغشته است؟

جان کلام در این بخش از یادداشت نشانگر این است که بارها و به دفعات متعدد به تجربه ثابت شده که در صورت دست بردن به اسلحه، ضریب ریسک پذیری افزایش یافته و همچنین نوع تلاش برای بقا و ادامه حیات (همانند غربی‌هایی که به هر تخته پاره‌ای جنگ می‌زند تا از غرق شدن نجات یابد) با سرعتی باورنکردنی از ارزش‌های الهی-انسانی فاصله می‌گیرد و بیشتر مجموعه با وجود میل باطنی مجبور به تابعیت از شرایط جبرگونه‌ای می‌شود که درست در مسیر مخالف اهداف مجموعه است؛ اما واقعا دیگر راه‌گریزی از این مسئله وجود ندارد و در ضمن باید یاد آور شد که در تاریخ این سرزمین حرکات آزادیخواهانه و یا حتی مغرضانه زیادی به انجام رسیده است که به دلیل تعداد نفوس کمتر و همین‌طور نابرابر بودن تعداد و نوع ادوات جنگی و همچنین شرایط خاص حاکم در بازی‌های سیاسی که در عرصه بین‌المللی رخ می‌دهد، بلافاصله و در مدت زمانی بسیار کوتاه‌تر از آن چیزی که نظرات معترض فکری می‌کرده‌اند حرکت به بن‌بست می‌رسد و تلاش برای جلوگیری از متلاشی شدن هم به هیچ ساحل امنی نمی‌رسد؛ پس باید نوع اعتراض و روش حرکت برای احقاق حقوق حقه را به میدان‌های سیاسی گشاند و از دست بردن به اسلحه خودداری کرد.

نقد کشیدن حزب و یا به دلیل موضع‌گیری‌های برخی دیگر بر اساس تفاوت در نگرش‌های مذهبی نمرات قابل قبولی را در کارنامه خویش ثبت نکرده‌اند. البته در حاشیه این مورد دوم باید گفت با وجود ادعای برخی از عزیزان کرد اهل سنت، کرد آزاری و کرد کشی درونی (کرد علیه کرد) در کردستان مکرر است و اردلان تنها توسط دو یا سه منطقه خاص کرد شیعه‌نشین صورت نگرفته، بلکه به دور از تعصب مذهبی (واقعا یکی از معضلات و مشکلات مهم در دستیابی کردها به حقوق حقه خویش نیز همین مسئله است) باید دید که چه بسا برخی از کردهای سنی مذهب نیز دست‌هایشان به خون دیگر عزیزان کردها اهل سنت آغشته است؛ اما آن چیزی که در این میان مهم است این است که در حال حاضر باید از اعمال نگرش‌های رادیکال مآب و مغرضانه از سوی هر دو گروه خودداری شود و به جای بزرگنمایی در خصوص مسئله‌ای که مثلاً در ۲۰۰ سال پیش رخ داده بر نقاط اشتراک با فشاری شود و گرنه باز هم زمینه برای نادیده‌انگاری فراهم خواهد بود.

اما جالب این که در جایی از گفت‌وگوی آقای حسن زاده (دبیر کل پیشین حزب دموکرات کردستان ایران) گفته می‌شود که مردم کرد، حزب دموکرات را به نمایندگی اکثریت جامعه خویش قبول دارند و به همین دلیل تمامی انتظارات را، از این حزب دارند!

با کمی انصاف و نگرش واقع‌بینانه تنهایی توان این جمله‌ها را به حساب تبلیغات یک حزب گذاشت، و گرنه به هیچ‌عنوان هیچ حزب، گروه، دسته و یا فردی نه در گذشته و نه در حال حاضر نمی‌تواند ادعا کند که تجلیگاه تمامی آمال، آرزوها و اهداف مردم خویش است، چون کردها (شیعه-سنی) نیز مانند دیگر مردم و اقوام افزون بر تکثیر و تنوع در مذهب و لهجه‌های مختلف از زبان کردی دارای نگرش‌ها و علاقه‌های متفاوتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و هستند؛ زیرا یکسان دیدن، یکسان برداشت کردن و یکسان عمل کردن تنها یک اتوپیاست و تجربیات تاریخی بسیاری در سراسر دنیا تا به امروز نشان داده که یکسان‌سازی اجباری نیز در تمامی امور، امری عبث و بیهوده است و بدتر به برزوا کنش‌های بعضاً قهرآمیز می‌انجامد و به عبارت دیگر تنها امر مطلق و ابدی در خصوص اندیشه، گفتار و رفتار آدمی، تکثیر و تنوع در نهاد آنهاست و احياناً اگر کسی در مقام مخالفت برخیزد نمی‌توان او را با اتهامی چون اجبر شده اجنبی و یا آدم فروش و حتی عمده حکومت و یا جاسوس صاحبان قدرت، متکوب کرد؛ بلکه باید با صبر و در وقت نظر لازم اجازه حرف زدن داد و بعد به نقد آن پرداخت، نه این که بلافاصله با غوغا سالاری و زدن انگ‌های دم‌دستی افکار مردم را از او منحرف کرد، چون ثابت شده که با انجام این کارها تنها به صورت موقت می‌توان حقیقت را پنهان نگاه داشت (این مسئله در مورد مرکز هم صادق است و